

تحلیل داستان حضرت مریم (س) در قرآن کریم از دیدگاه روایی سیمپسون

عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا*، مرضیه فولادین^۲

- ۱- دانشیار گروه زبان شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۲- دانش‌آموخته دکتری زبان شناسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵

چکیده

«دیدگاه روایی» سیمپسون از شیوه‌های تحلیل ساختاری داستان‌های قرآنی است. این دیدگاه به معنای میزان دخالت راوی، در عمل روایت کردن است و بر اساس سه معیار مکانی، زمانی و روان‌شناختی آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. اهمیت این دیدگاه از آن جهت است که زوایای مختلف روایی، نکته‌های پنهان تأویل و تحلیل متن را آشکار ساخته و درک مفاهیم را آسان‌تر می‌نماید. یکی از داستان‌های قرآنی که در این خصوص می‌تواند حائز اهمیت باشد، داستان حضرت مریم (س) است. از این رو، پژوهش حاضر به منظور کشف زوایای پنهان داستان حضرت مریم (س)، با بکارگیری روش توصیفی-تحلیلی، به تحلیل روایت‌شناختی این داستان قرآنی پرداخته است. از جمله نتایج پژوهش این است که راوی، احاطه کامل بر عناصر زمان، مکان و چینش عناصر متن داستان دارد. بازگویی اخبار گذشته که کسی از آن‌ها اطلاع ندارد و بیان رویدادهایی که در زمان آینده اتفاق می‌افتد، تنها راوی از آن‌ها آگاهی دارد. همچنین این داستان، زندگی یک زن نمونه را در قرآن بیان می‌کند که ویژگی‌های بندگی در برابر خداوند، ایمان به غیب، پرهیزکاری، انفاق و بخشش به نیازمندان، راستی و درستی در گفتار و کردار وی آشکار است و از او یک شخصیت مثبت و قهرمان داستان به جهانیان معرفی می‌کند. در این داستان، حوادث در کانون توجه قرار گرفته و عناصر زمان و مکان رویداد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. این حوادث و آزمون‌ها، مختص اولیاء الهی نیست، بلکه در زمان‌ها و مکان‌های مختلف برای تک تک انسان‌ها رخ خواهد داد و عکس‌العمل هر فرد در مقابل آن‌ها ارزیابی خواهد شد و از آن‌ها قهرمان یا ضد قهرمان خواهد ساخت.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، دیدگاه روایی سیمپسون، حضرت مریم (س)، دیدگاه روان‌شناختی

۱- مقدمه

بخش زیادی از تجربه روزانه هر انسان را تصورات، تفکرات، اعمال و رویدادها شکل می‌دهند و «زبان»، همه این موارد را به جهان خارج از فرد منعکس می‌کند. به بیان دیگر، «زبان»، قابلیت بازنمایی و انتقال افکار، اعمال و حوادث را در هر مقطع زمانی به مقطع زمانی دیگر دارد. انسان موارد گفتنی را ارزیابی کرده و دست به انتخاب می‌زند و آنچه برای او از اهمیت بیشتری برخوردار است، مکتوب می‌کند تا در بازه زمانی طولانی‌تری باقی بماند. حوادث مهم زندگی و رویدادهای تاریخی سرنوشت‌ساز، از آثار زبانی با اهمیت هر جامعه، محسوب می‌شوند. در این میان، کتاب‌های دینی حاوی مبانی اعتقادی در صدر آثار زبانی به شمار می‌روند. مفسران در هر دوره، شرحی جدید بر کتب دینی می‌نویسند، تا نگاهی نو به مخاطبان معرفی نمایند. یکی از راه‌های گسترش علوم مختلف مانند: «صرف، نحو، معنی‌شناسی، تفسیر، تحلیل گفتمان، روایت‌گری»، تلاش برای رمزگشایی از متون دینی و یافتن درکی تازه از متون مقدس است.

۱-۱- تعریف مسأله

یکی از شیوه‌های مؤثر در القاء آموزه‌های دینی و پیام‌های قرآن کریم، شیوه روایت‌گری و بهره‌گیری از قالب داستان است. داستان‌هایی که قسمت عمده آن‌ها به تاریخ زندگی انبیاء و سرگذشت امت‌های پیشین اختصاص دارد. خداوند متعال به منظور آسان‌سازی مطالب و سهولت درک و فهم معارف دینی و آموزش دستورات اخلاقی از راه‌های مختلف از جمله روایت‌گری استفاده کرده است. به عبارت دیگر، خداوند به منظور عینیت بخشی به مفاهیم انتزاعی اخلاقی و تجسم مفاهیم عقلی و اعتقادی مانند «توحید، نبوت، و معاد» از روایت‌گری و نقل داستان در موقعیت‌های مختلف زندگی انبیاء و اولیاء استفاده کرده است. استقبال نسل جوان به مطالعات دینی با رویکردهای تحلیل گفتمان، ضرورت ارائه این نوع مطالعات را بیشتر کرده است. قصه‌های قرآنی به دلیل جذابیت، الهام‌بخش داستان‌سرایان و نویسندگان قرار گرفته است. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که یک داستان قرآنی به لحاظ

ساختاری از چه اجزایی تشکیل می‌شود؟ و آرایش این اجزاء چگونه است؟ روایت‌شناسی در داستان‌های قرآنی به تحلیل عناصر روایی مانند «راوی، شخصیت‌ها، زمان، مکان، رویدادها و نحوه چینش آن‌ها» توجه دارد. اهمیت استفاده از رویکردهای روایی در این است که مفاهیم کیفی را به مفاهیم کمی تبدیل می‌کند، به طوری که عناصر قابل تجزیه و توصیف ارائه می‌دهد. هدف از این پژوهش، درک بهتر پیام‌ها و مفاهیم نهفته در داستان‌های قرآنی از طریق درک شیوه و سبک روایت آن‌ها است. تحلیل داستان‌های قرآن با استفاده از رویکردهای معنایی و تحلیل گفتمان، می‌تواند جلوه‌های ناشناخته ادبیات قرآنی را بر مخاطبان روشن سازد. کاربرد رویکرد روایت در تحلیل داستان‌های قرآنی به شفاف‌سازی مفاهیم قرآنی و درک بهتر آیات کمک می‌کند. در روایت، ابتداء طراحی داستان و گفتمان‌های آن توسط راوی شکل می‌گیرد و مخاطب با توجه به نوع واژگان به کاررفته در آن و نحوه چیدمان آن‌ها به رمزگشایی متن می‌پردازد. تکامل شخصیت اصلی هر روایت با اعمال وی و وقایع موجود در داستان رابطه دوسویه دارد. رویداد اصلی، به شیوه‌ای انتخاب می‌شود که هر چه بهتر شخصیت قهرمان را معرفی نماید و رویدادهای فرعی، همه در جهت کمک به شناساندن شخصیت اصلی قهرمان صورت می‌گیرد. «چه بسا نتایج اینگونه مطالعات به شناخت مباحث مربوط به اعجاز قرآن نیز منجر گردد» (ترکمانی و هم‌پژوهان، ۱۳۹۶: ۴).

روش این پژوهش به این صورت است که ابتداء مؤلفه‌های اصلی روایت از دیدگاه سیمپسون (۱۹۹۳) معرفی شده‌اند. از نظر وی، «دیدگاه روایی» به معنای میزان دخالت راوی در عمل روایت‌کردن است و از سه بخش جزئی‌تری یعنی دیدگاه‌های «زمانی، مکانی، و روان‌شناختی» تشکیل می‌شود.

زمینه‌ساز پیوند این سه دیدگاه، عناصر وجهی به‌کارگرفته‌شده در متن، توسط راوی یا نویسنده روایت است. در ادامه، داستان زندگی حضرت مریم (س) به نقل از قرآن با مؤلفه‌های دیدگاه روایی سیمپسون در مبانی نظری مذکور به لحاظ نوع روایت و بخش‌های برجسته داستان، ارزیابی و تحلیل شده‌اند.

در ورود به مطالعه این روایت، ابتداء بسامد نام شخصیت موردنظر و تعداد آیاتی که درباره زندگی ایشان آمده، جمع‌آوری شده است. در ادامه، صحنه‌های ذکرشده از زندگی این شخصیت، شناسایی و گفتمان موجود در آنها با عناصر دیدگاه روایی سیمپسون تحلیل شده‌اند. علت انتخاب داستان حضرت مریم (س)، پیام خداوند (آل عمران/۴۲) است، به طوری که در این آیه خداوند او را بر زنان جهان برگزیده است. از این رو، لازم است تا ویژگی‌های فردی و روش زندگی یک بانوی برگزیده به عنوان الگوی بانوان دیگر شناخته شود.

۱-۲- سؤالات پژوهش

در این مقاله، عناصر و اجزای داستان قرآنی حضرت مریم (س) از دیدگاه روایت‌شناسی سیمپسون^[۱] (۱۹۹۳) بررسی می‌شود. پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از:

۱. عنصر زمان از دیدگاه روایی سیمپسون در داستان حضرت مریم چگونه تحلیل می‌شود؟
۲. عنصر مکان از دیدگاه روایت‌شناسی، در این قصه قرآن چگونه روایت شده است؟
۳. داستان حضرت مریم (س) از دیدگاه روایت‌شناختی سیمپسون چگونه بیان شده است؟

۱-۳- پیشینه پژوهش

در ارتباط با تحلیل داستان‌های قرآنی با رویکرد دیدگاه‌های مختلف روایی، آثار متعددی تألیف شده است. حرّی (۱۳۸۷)، در مقاله خود با عنوان «رویکرد روایت‌شناختی به قصص قرآنی»، مؤلفه‌های روایت‌شناسی داستان را معرفی کرده و این مؤلفه‌ها را در تحلیل قصه‌های قرآنی به‌کارگرفته است.

حرّی (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای دیگر به نام «مؤلفه‌های زمان و مکان روایی در قصص قرآنی»، مؤلفه‌های زمان و مکان و شخصیت‌پردازی را در سوره یوسف (ع) از دیدگاه ژنت، بررسی کرده است.

اثر دیگر در این باره «قصه، الگوی روایت تاریخی از منظر قرآن کریم: بازخوانی سوره یوسف به عنوان بهترین روش تاریخ‌گویی»، نوشته مهدوی‌نژاد و نوریان (۱۳۹۰) است که در آن با بازخوانی سوره یوسف (ع) به عنوان رویدادی تاریخی، جهت دستیابی به ویژگی‌های الگوی روایت تاریخی از دیدگاه قرآن، تلاش کرده‌اند.

حبیبی و خلیفه (۱۳۹۰)، در مقاله خود با عنوان «واکاوی مؤلفه‌های روایی داستان قرآن کریم»، با هدف واکاوی ابعاد گوناگون داستان‌های قرآنی و بررسی اهداف و شیوه‌های پردازش آن‌ها با ذکر نمونه‌هایی، به تحقیق در ابعاد مختلف روایی داستان‌های قرآن پرداخته و با مقایسه آن‌ها با اصول داستان‌سرایی، روش خاص روایت‌گری در قرآن را بررسی کرده‌اند. در این مقاله انواع دسته‌بندی داستان‌های قرآن و اهداف قرآن کریم از قصه‌گویی، اصطلاحات و عناصر داستانی تعریف شده است.

سپیلی (۱۳۹۱)، با تألیف «تحلیل ساختاری روایت در قرآن»، از دیگر مؤلفان در این باره است که با بکارگیری نظریه روایت و به‌ویژه تحلیل ساختاری برای شناخت بهتر روایت‌های قرآنی، به تبیین جنبه‌های ساختاری قرآن و ارتباط آن با جنبه‌های معنایی با رهیافتی میان‌رشته‌ای پرداخته است.

سلطانی (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل داستان‌های قرآنی براساس نظریه کنشی گریماس»، داستان زندگی برخی از پیامبران مانند «یوسف (ع)، ابراهیم (ع)، یونس (ع) و ایوب (ع) را براساس نظریه الگوی کنشی گریماس تحلیل کرده است. نوآوری پژوهش در دسته‌بندی انواع کنش‌گرهای داستان، قابل توجه است.

حسینی و هم‌پژوهان (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل روایت‌شناختی داستان حضرت مریم (س) در قرآن کریم»، به اجزاء طرح روایت یا پیرنگ از دیدگاه‌های مختلف از جمله ارسطو، رولان بارت و تودوروف اشاره کرده است.

زیارتی و هم‌پژوهان (۱۳۹۹)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی زاویه دید در داستان حضرت مریم (س) بر اساس الگوی وجهی - روایی پاول سیمپسون»، به بررسی تمایز میان اول شخص و سوم شخص روایت‌گر و وجوه فعل، در این داستان پرداخته است. مولایی‌فرد و هم‌پژوهان (۱۴۰۱)، در مقاله خود با عنوان «تحلیل ابعاد داستان‌های قرآن براساس اسلوب روایت»، شیوه روایت در داستان‌های قرآنی را بدون مبالغه و خیال‌پردازی از جانب راوی بیان می‌کنند، به طوری که خواننده خود را در جایگاه راوی احساس می‌کند.

در مقاله محمدی و هم‌پژوهان (۱۴۰۳)، با عنوان «تحلیل روایت‌شناختی سوره قصص بر مبنای نظریه رولان بارت» صحنه‌هایی از سوره قصص در دو سطح داستان و گفتمان بر مبنای نظریه رولان بارت تحلیل شده است، به طوری که شیوه خاص داستان‌سرایی در قرآن با کمترین واژه‌ها و کوتاه‌ترین متن بیان شده است.

در آثار مذکور، نویسندگان به درک اجزاء متن، زمان و مکان رویداد، تفاوت داستان‌های تخیلی و رویداد تاریخی و اهداف هر کدام و شناخت ویژگی‌های شخصیت‌های قرآنی توجه نموده‌اند. بررسی کلی آثار معرفی شده، نشان می‌دهد که هر چه از زمان گذشته به زمان حال نزدیک‌تر می‌شوند، دقت نویسندگان به جزئیات و عناصر روایت‌شناسی بیشتر شده است و نکات تازه‌تری به آن افزوده‌اند. برخی از آثار قدیمی‌تر به بررسی معناشناختی داستان‌های قرآنی پرداخته‌اند و با گذر زمان، تحلیل‌های گفتمانی به آن اضافه شده تا جایی که دیدگاه راوی در لابلای تحلیل متن با انتخاب نوع واژگان، زاویه دید و شخصیت‌پردازی برای خواننده نیز آشکار می‌گردد. بازسازی صحنه‌های رویدادهایی که قرن‌ها پیش به وقوع پیوسته و قرار است برای مخاطب امروز بیان شود، نگرش همه‌جانبه نیاز دارد. آشنایی نسبی با زبان قرآن و

تحلیل داستان حضرت مریم (س) در قرآن کریم ... عالیه کرد زعفرانلو کامپوزیا و مرضیه فولادی

صرف و نحو آن به تحلیل روایی و درک انسجام متن بیشتر کمک خواهد کرد. ترسیم یک رویداد تاریخی، با ابعاد مکانی و زمانی بسیار دور از زمان حاضر، نیاز به شناخت فرهنگ آن زمان و مکان خاص دارد. از طرفی، بسیاری از صفات و ویژگی‌های انسان‌ها در طول زمان ثابت و غیرقابل تغییر هستند.

در بیشتر آثار معرفی شده در خصوص داستان‌های قرآنی، موقعیت‌های زمانی و مکانی به عنوان مؤلفه‌های اصلی روایت مورد توجه قرار گرفته‌اند. در پژوهش حاضر، براساس روایت‌شناسی سیمپسون علاوه بر دو مؤلفه مذکور، دیدگاه روان‌شناختی نیز به عنوان مؤلفه سوم در بررسی زندگی حضرت مریم (س) مورد توجه قرار گرفته است. در پژوهش‌های فوق، به‌طورکلی به روایت‌شناسی داستان‌های قرآنی پرداخته شده و داستان حضرت مریم (س) با تحلیل همه‌جانبه روایت‌شناختی آن انجام نشده است.

۲- مبانی نظری: دیدگاه روایی سیمپسون (۱۹۹۳)

سیمپسون، از پژوهشگران حوزه سبک‌شناسی، زبان‌شناسی انتقادی و به‌ویژه «دیدگاه روایی» است. وی، با ارائه الگویی برای ساختار روایت، واحدهای اساسی سبک‌شناسی را در توصیف روایت معرفی نموده است.

از آنجایی که داستان‌های قرآنی به لحاظ ساختاری نوعی روایت به شمار می‌روند، در دیدگاه روایی سیمپسون قابل تحلیل می‌باشند. هر روایت، دارای یک راوی است که به توصیف آن می‌پردازد. سیمپسون، دیدگاه روایی را به معنای دخالت راوی در عمل روایت می‌داند که از سه بخش جزئی‌تر یعنی «دیدگاه زمانی»^[۲]، «دیدگاه مکانی»^[۳]، و «دیدگاه روان‌شناختی»^[۴] تشکیل می‌شود. زمینه‌ساز پیوند این سه دیدگاه، عناصر وجهی به‌کارگرفته‌شده در متن، توسط راوی یا نویسنده روایت است.

سیمپسون (۱۹۹۳)، در ادامه با طرح دیدگاه‌های روایی چهارگانه ژنت و هم‌چنین دیدگاه‌های چهارگانه روایی اسپنسکی-فاولر^[۵] و با بررسی عنصر و جهت در متن، اجزای دیدگاه روایی خود را ارائه می‌کند (خادمی، ۱۳۹۱: ۷ به نقل از سیمپسون، ۱۹۹۳).

۲-۱- دیدگاه زمانی

بررسی عنصر زمان در روایت یا دیدگاه زمانی، شامل زمان رویدادها و تندی و کندی سرعت آن‌ها از نظر خواننده است. برای فهم این دیدگاه توضیح دو مفهوم ضروری به نظر می‌رسد:

الف) زمان داستان^[۶]، زمانی است که واقعه‌ای در روایت در مقایسه با زمان واقعی اتفاق می‌افتد.

ب) زمان متن^[۷]، زمانی است که روایت یک واقعه در متن، به خود اختصاص می‌دهد (خادمی، ۱۳۹۱: ۱۲ به نقل از فالر، ۱۹۸۶: ۱۲۷).

عمده بحث مؤلفه زمان در الگوی سیمپسون براساس آرای ژنت^[۸] استوار است. ژنت، براساس این رابطه معتقد به سه نوع رابطه زمانی میان زمان سطح داستان و زمان سطح متن است:

نظم^[۹]، تداوم^[۱۰]، و بسامد^[۱۱] (حرّی، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

۲-۱-۱- نظم

روابط میان توالی رخ داده‌های داستان و ترتیب خطی آن‌ها در متن، تحت عنوان نظم شناخته می‌شود. گاهی سیر زمان حوادث در سطح داستان و سطح متن تغییر می‌کند. این امر منجر به دو نوع زمان‌پریشی^[۱۲] در سطح متن می‌شود:

الف) گذشته‌نگری یا تأخر^[۱۳]؛

ب) آینده‌نگری یا تقدم^[۱۴].

گذشته‌نگری، نقل حوادث داستان پس از رخداد آن‌ها و آینده‌نگری، نقل حوادث داستان پیش از رخداد آن‌ها است. حال اگر این گذشته‌نگری در محدوده داستان اصلی رخ دهد، گذشته‌نگری درونی و اگر خارج از فضای داستان اصلی رخ دهد، گذشته‌نگری بیرونی و اگر ترکیب هر دو باشد، گذشته‌نگری مرکب نام دارد (ریمون-کنان، ۱۴۰۱: ۱۲۹).

۲-۱-۲- تداوم

رابطه میان زمان حوادث سطح داستان و مدت قرائت آن حوادث در سطح متن، تداوم یا دیرش گفته می‌شود. سرعت قرائت متن، افزایش^[۱۵] یا کاهش^[۱۶] می‌یابد. افزایش سرعت، حذف^[۱۷] و کاهش سرعت، درنگ توصیفی^[۱۸] نامیده می‌شود. در حذف، پاره‌ای از تداوم داستان، هیچ مابه‌ازایی در متن ندارد.

یکی از نمونه‌های حذف زمانی، آیه ۱۴ سوره قصص است؛ به‌طوریکه کودکی حضرت موسی (ع) بلافاصله به نوجوانی او پیوند می‌خورد: "چون حضرت موسی (ع) بزرگ و نیرومند شد، به او حکمت عطا کردیم و ما اینگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم". در درنگ توصیفی، تداوم متن طولانی‌تر از تداوم روایت است؛ به عبارت دیگر، پاره‌ای طولانی‌تر از متن، به نقل برخی از حوادث روایت اختصاص می‌یابد. نمونه مناسب آن، پرسشی است که خداوند در سوره طه درباره عصا از حضرت موسی (ع) می‌پرسد و در متن سوره، چند آیه به توصیف کارکردهای عصا اختصاص یافته است. بین این دو سرطیف، خلاصه^[۱۹] و صحنه نمایشی^[۲۰] قرار دارد: در خلاصه، تداوم متن کوتاه‌تر از تداوم روایت است.

خداوند در قرآن، عمده روایت‌های مربوط به روز قیامت، حوادث هولناک این روز را به اختصار و ایجاز نقل می‌کند. در صحنه نمایشی، تداوم روایت و متن تقریباً برابر است. مکالمه‌های بین اشخاص در داستان‌های قرآن، از جمله نمونه‌های صحنه نمایشی محسوب می‌شوند. گفتگوی حضرت موسی (ع) و حضرت خضر (ع) در آیات ۶۵ تا ۸۳ سوره کهف از این نوع می‌باشد (همان، ۱۳۴-۱۳۰).

۲-۱-۳- بسامد

تعداد دفعات تکرار حوادث سطح داستان و تعداد نقل آن حوادث در سطح متن، بسامد نامیده می‌شود. در قصه‌های قرآن، برخی از حوادث سطح داستان، چندبار در متن قرآن تکرار شده است. بسامد در داستان با عنصر تکرار^[۲۱] در علوم قرآنی برابر به نظر می‌رسد. داستان حضرت موسی (ع) از روایت‌هایی است که برخی اجزاء آن در سوره‌های مختلف تکرار شده است. روایت‌شناسان، بسامد را به سه نوع تقسیم کرده‌اند (ریمون-کنان، ۱۴۰۱: ۷۹):

- ۱- بسامد مفرد^[۲۲] یا تک محور: حادثه‌ای که یکبار در داستان اتفاق افتاده و یک بار در متن نقل شده است. مانند داستان حضرت ذوالکفل (ع) در قرآن.
- ۲- بسامد مکرر^[۲۳] یا چندمحور: آنچه یکبار در داستان اتفاق افتاده و چند بار در متن نقل شود. رویداد زندگی حضرت موسی (ع) از تولد تا وفات وی، یکبار در سطح داستان رخ داده است؛ اما چندبار در سوره‌های قرآن تکرار شده است.
- ۳- بسامد تکرارشونده^[۲۴] یا بازگو: حادثه‌ای که چندبار در داستان اتفاق افتاده است؛ اما در متن یکبار نقل شود. برخی حوادث زندگی پیامبر (ص) یا سایر پیامبران (ع) و افراد تاریخی، چندبار تکرار شده؛ اما در قصص قرآنی یکبار به آن‌ها اشاره شده است؛ مانند غزوات پیامبر (ص) (حرّی، ۱۳۸۸: ۱۳۵-۱۳۴).

۲-۲- دیدگاه مکانی

به معنای جایگاهی است که راوی داستان از آن مکان یا موقعیت به روایت می‌پردازد. ابزارهایی که زبان برای تشکیل دیدگاه مکانی در اختیار راوی می‌گذارد، عبارتند از: نام مناظر، کلماتی که معنای هندسی دارند، صفات اندازه و شکل، حروف اضافه، قیده‌های مکان، شاخص‌ها^[۲۵]، کلمات اشاره مانند «ضمایر و صفات اشاره» و فعل‌های حرکتی مانند «آوردن، بردن، رفتن» که بیانگر حرکت در جهت خاصی هستند.

این دیدگاه مانند لنز دوربین بر روی متن متمرکز می‌شود و می‌تواند هم از نوع گسترده و هم از نوع دیدگاه محدود یک بیننده واحد باشد.

سیمپسون چهار نوع دیدگاه مکانی راوی را معرفی می‌کند:

- ۱- دید ایستا: راوی با اتخاذ دیدگاه ایستا، مکان را طوری توصیف می‌کند که گویی خود او در نقطه‌ای ثابت و بی‌حرکت ایستاده و ناظر آن مکان است.
- ۲- دید متحرک: راوی در موقعیت متحرک قرار دارد و فاصله‌اش با دیگران و محیط متغیر است.

۳- دید کلی: راوی با اتخاذ دید کلی، خود را بیننده‌ای کاملاً هوشیار و مسلط به صحنه نشان می‌دهد و با نگاهی کلی مناظر را می‌بیند. این دید به "دید پرنده‌وار"^[۳۶] نیز مشهور است.

- ۴- دید متوالی یا جزئی: راوی به صورت متوالی دید خود را از یک شخصیت به شخصیت دیگر یا از یک صحنه به صحنه دیگر متوجه می‌کند و این وظیفه به خواننده محول می‌شود که توصیف‌های مجزا و جزئی را به صورت تصویری منسجم ببیند (خادمی، ۱۳۹۱: ۹-۱۱ به نقل از سیمپسون، ۱۹۹۳).

۲-۳- دیدگاه روان‌شناختی

هدف دیدگاه روان‌شناختی، پرداختن به لحن روایی در روایت است. این دیدگاه، زیرمجموعه‌ای از دیدگاه روایی مطرح شده است. در این دیدگاه، توجه به دو سطح ساختار و سطح بینافردی زبان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو، دو حوزه مورد توجه سیمپسون در ارائه الگوی انواع دیدگاه خود نیز حوزه "ساختار" و حوزه "وجهیت"^[۳۷] است (خادمی، ۱۳۹۱ به نقل از فالر، ۱۹۸۶).

سیمپسون (۱۹۹۳: ۳۹)، وجهیت را "جهت‌گیری‌های خاص راوی نسبت به آنچه می‌گوید"، معنا می‌کند. وی معتقد است نوع وجهیت غالب در روایت‌ها می‌تواند باعث به‌وجود آمدن انواع روایت با انواع نظام‌های وجهیتی متفاوت شود؛ به این معنا که میزان

استفاده راوی از وجهیت می‌تواند روایت‌های خالی از ارزش‌گذاری یا روایت‌هایی حاوی ارزش‌گذاری بیافریند.

در بررسی‌های انواع وجه، معادل‌های دستوری گوناگونی وجود دارد؛ به عنوان مثال می‌توان به، جمله، افعال کمکی وجهی، قیده‌های جمله، قیده‌ها و صفت‌های ارزش‌گذارانه، جمله‌های تعمیم‌دهنده، افعال شناختی و ادراکی اشاره کرد.

سیمپسون، نظام وجهیتی زبان را به چهار نوع تقسیم کرده است:

۱- وجه امری^[۲۸]: آن‌چه باید یا بهتر است انجام شود.

۲- وجه تمنایی^[۲۹]: آن‌چه مورد درخواست و تمناً یا خوشایند است.

۳- وجه برداشتی یا شناختی^[۳۰]: میزان اطمینان یا عدم اطمینان گوینده نسبت به صدق گزاره‌های بیان شده است.

۴- وجه ادراکی^[۳۱]: میزان تعهد گوینده نسبت به درستی گزاره‌ای با ارجاع به ادراک‌های انسان می‌باشد.

سیمپسون، دیدگاه^[۳۲] را به دو نوع کلی دیدگاه اول‌شخص و سوم‌شخص تقسیم می‌کند؛ به‌طوری‌که دیدگاه سوم‌شخص به دو نوع جزئی‌تر روایتگر^[۳۳] و بازتابگر^[۳۴] تقسیم می‌شود. هر دوی این دو نوع دیدگاه با توجه به وجهیت‌های به کاررفته به سه دسته مثبت، منفی و خنثی تقسیم می‌شود (خادمی، ۱۳۹۱: ۲۶-۱۶ به نقل از سیمپسون ۱۹۹۳).

در وجه‌نمایی، اگر جمله دارای عنصر وجه‌نما، رفتار گوینده را نسبت به رویدادی محتمل در آینده نشان دهد، وجه‌نمایی از نوع رویداد است. وجه‌نمایی رویداد، شامل دو نوع « تکلیفی و پویا » می‌باشد. اساسی‌ترین تفاوت میان این دو نوع وجه‌نمایی این است که در وجه‌نمایی تکلیفی، عوامل دخیل، نسبت به مشارکان موجود در رویداد، بیرونی هستند؛ در صورتی‌که در وجه‌نمایی پویا، این عوامل و شرایط درونی‌اند. به همین ترتیب، مفاهیمی مانند اجازه و اجبار که منبعی بیرونی دارند، جزء وجه‌نمایی تکلیفی به شمار می‌روند؛ از طرف دیگر، عناصری که بیان‌کننده مفاهیمی مانند توانایی، خواست و اراده هستند، در دسته وجه‌نمایی پویا طبقه‌بندی می‌شوند (کوهکن، ۱۳۹۸: ۳۱ به نقل از پالمر، ۲۰۰۱).

۳- ارائه و تحلیل آیات

۳-۱ دیدگاه زمانی در داستان حضرت مریم (س)

روایت تولد حضرت مریم (س) و حضرت عیسی (ع) به طور کامل در سوره‌ای به نام مریم (س) و در برخی سوره‌های دیگر از جمله «بقره، آل عمران، نساء، مائده، انبیاء، مؤمنون، زخرف، حدید، صف و تحریم» تکرار شده است.

نام حضرت مریم (س)، ۳۴ مرتبه در قرآن به کار رفته است. این قصه، از چندین برش و صحنه تشکیل شده است.

۱- "همسر عمران (ع) باردار است و با تصور این که فرزندش پسر متولد خواهد شد، نذر کرد و گفت: پروردگارا، من نذر کرده‌ام آنچه در شکم دارم تنها در خدمت تو و معبد تو قرار گیرد. این نذر را از من بپذیر که تو شنوا و دانایی." (آل عمران/۳۵).

۲- دختر عمران (ع) متولد می‌شود (آل عمران/۳۶).

۳- مریم (س) در سن شش سالگی است و خداوند به نیکی نذر مادرش را می‌پذیرد و مریم (س) برای خدمت به معبد می‌رود و زکریا (ع) سرپرستی و تعلیم و تربیت او را عهده‌دار می‌شود (آل عمران/۳۷).

۴- مریم (ع) از برگزیده شدنش باخبر می‌شود: "و فرشتگان به او پیام دادند: ای مریم، خدا تو را برگزید و پاکیزه ساخت و بر زنان جهان برتری داد (آل عمران/۴۲)."

۵- مریم (س) به سن ۱۶ سالگی و بلوغ رسیده است و خداوند از طریق وحی از او می‌خواهد با رکوع کنندگان رکوع کند (آل عمران/۴۳).

۶- مریم (س) به فرزندی به نام عیسی مسیح (ع) بشارت می‌یابد که بزودی از مریم (س) متولد خواهد شد (آل عمران/۴۵). مریم (س) حیرت‌زده از نداشتن همسر سخن می‌گوید؛ اما می‌داند که هرچه خدا بخواهد همان خواهد شد (آل عمران/۴۷). خداوند فرشته‌ای را به هیأت انسان، نزد وی می‌فرستد و ماجرای فرزنددار شدن را به مریم (س)

بشارت می‌دهد (مریم/۱۷ تا ۱۹). اینکه دوره آبستنی مریم به چه نحوی بوده و چه مدت طول کشیده، در قصه بیان نشده است.

۷- مریم (س)، حضرت عیسی (ع) را در مکان شرقی در زیر درخت نخلی خشکیده به دنیا می‌آورد. با تولد وی، معجزات عیسی (ع) آغاز می‌شود. با مادرش سخن می‌گوید، چشمه‌ای آب در زیر پای مریم (س) جاری می‌شود، نخل خشکیده سرسبز و بارور می‌گردد و برای مریم خرما آماده می‌کند (مریم/۲۲ تا ۲۵).

۸. مریم با کودکی در آغوش، در میان قومش دیده می‌شود؛ درحالی‌که سرزنش می‌شود. مریم به کودک در آغوشش اشاره می‌کند، با سخن گفتن کودک و معرفی خود، حجت بر مردم حاضر در صحنه تمام می‌شود (مریم/۲۹ تا ۳۳).

ابتدای سوره مریم (س)، داستان حضرت زکریا (ع) و تولد فرزندش یحیی (ع) که تولد وی پیش از تولد حضرت عیسی (ع) از حضرت مریم (س) بود، بیان می‌شود. این گذشته‌نگری از نوع درونی است؛ زیرا داستان زندگی حضرت زکریا (ع) و درخواست ایشان از خداوند برای فرزنددار شدن، داستانی مستقل از داستان حضرت مریم (س) و تولد عیسی (ع) نیست و به عنوان یکی از شخصیت‌های داستان حضرت مریم (س) محسوب می‌شود و از این نظر می‌توان این گذشته‌نگری را از نوع درونی و یا حتی مرکب نیز، محسوب کرد.

این داستان، در سوره آل عمران که سوره‌ای مدنی است و بعد در سوره مریم که سوره‌ای مکی می‌باشد، به تفصیل بیان شده است. خداوند در ذیل داستان حضرت مریم (س) می‌فرماید:

﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۷) هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾ (آل عمران/۳۶ و ۳۷).

توجه در این آیات و روایت، صحنه گفتگوی حضرت مریم (س) با حضرت زکریا (ع) و پرسش و پاسخ‌های رد و بدل شده بین آن دو، انگیزه دعا و درخواست فرزند از خداوند را در زکریا بیدار می‌کند. این آیات به‌عنوان نمونه‌ای از گذشته‌نگری درونی است. نمونه دیگری از گذشته‌نگری درونی، در ماجرای مادر حضرت مریم (س) و نذرکردن فرزندش برای خدمت و عبادت خدا در معبد و سرپرستی مریم (س) بعد از فوت پدر و مادرش، توسط زکریاست (آل عمران/۳۴ و ۳۵).

خداوند در نمونه دیگری از گذشته‌نگری درونی زندگی حضرت مریم (س)، به رسول اکرم (ص) می‌فرماید: "این‌ها از خبرهای غیب است که به تو وحی می‌کنیم و گرنه آنگاه که قرعه زدند تا چه کسی میانشان عهده‌دار نگهداری مریم (س) شود و آنگاه که کارشان به نزاع کشید تو در نزدشان نبودی." (آل عمران/۴۴).

از آینده‌نگرها در قرآن کریم آنگاه که می‌فرماید: "ای زکریا، ما تو را به پسری به نام یحیی (ع) مژده می‌دهیم" (مریم/۷) و سپس می‌فرماید: "ای یحیی، کتاب را با قوت بگیر." (مریم/۱۲). همچنین در ادامه آن به زندگی حضرت یحیی (ع) و نحوه رفتار او با پدر و مادرش با استفاده از فعل گذشته استمراری نقل می‌شود که حاکی از محقق شدن تولد حضرت یحیی (ع) است. بنابراین مژده تولد یحیی (ع) در ابتدای این سوره نوعی آینده‌نگری درونی است. بشارت ولادت حضرت عیسی (ع) نوعی آینده‌نگری درونی به شمار می‌رود که پس از مدت کوتاهی محقق می‌شود (مریم/۱۹ و ۲۰). همچنین به نشانه‌بودن حضرت عیسی (ع) و نحوه ولادت وی طوری اشاره شده که تولد وی یک حادثه طبیعی نبوده؛ بلکه آیت و معجزه‌ای از جانب خداوند به‌شمار می‌رود (مریم/۲۱).

در نمونه دیگری از آینده‌نگری که به شکل استعاری زمانی به کار رفته، زکریا (ع) از مریم (س) می‌پرسد: این میوه‌های بهشتی خارج از فصل کشت، برای تو از کجا رسیده؟ مریم در پاسخ می‌گوید: از جانب خداست و خدا به هرکس که بخواهد بی‌حساب روزی می‌دهد. بلافاصله در آیه بعد، درخواست زکریا (ع) از خداوند مبنی بر فرزنددار شدن دیده می‌شود (آل عمران/۳۷). در واقع آینده‌نگری درونی را به صورت استعاری نشان می‌دهد؛

همان خدایی که میوه غیرفصل برای بنده‌اش می‌فرستد به این موضوع نیز تواناست که به مردی در سن پیری با همسری نازا، فرزندی عطا کند و این همه به خواست و اراده خداوند امکان‌پذیر است و به یحیی (ع) بشارت می‌یابد.

علت وجود دو نوع گذشته‌نگری و آینده‌نگری در این داستان را می‌توان از آن رو دانست که قرآن در ضمن پرداختن به یک داستان و بیان حتمی وقایعی که در آن پیش‌بینی شده، از هر دو نوع نظم استفاده می‌کند. از سوی دیگر، داستان از زبان خداوندی روایت می‌شود که هم بر گذشته و هم بر آینده احاطه کامل دارد و آنچه اراده کند بدون تردید به وقوع می‌پیوندد.

در ادامه، خداوند به رسول اکرم (ص) می‌فرماید: "این خبرهای غیبی به تو وحی می‌شود؛ زیرا در زمان رخداد این حوادث، تو و مخاطبان قرآن در آنجا حضور نداشته‌اید و اگر خداوند این داستان را روایت نمی‌کرد، هرگز کسی از این همه ماجرا آگاهی نمی‌یافت" (آل عمران/۴۴). در قسمت دوم دیدگاه زمانی، یعنی موضوع تداوم، در سوره مریم (س) بیشتر عناصر «صحنه، حذف و خلاصه» مشاهده می‌شود. بیان مکالمه‌ها و گفت‌وگوهای بین شخصیت‌های داستان نمونه بارزی از سازوکار صحنه است. برخی آیات بیان‌کننده گفت‌وگوی زکریا با خداوند در محراب و تقاضای وی برای فرزنددار شدن است، که جریان این مکالمه با بیان نکات کلیدی و اساسی و بدون آوردن مطالب اضافی و توصیفات جزئی، نمونه بارزی از صحنه‌پردازی است (مریم/۳ تا ۱۲).

اولین نمونه حذف زمان، بین تقاضای زکریا از خداوند برای بچه‌دار شدن و تولد یحیی (ع)، فرزند او است: «ای یحیی، کتاب را با قوت بگیر و در کودکی به او دانایی عطا کردیم» (مریم/۱۲). به عبارت دیگر، تمام جزئیات از لحظه خروج حضرت زکریا (ع) از محراب دعا تا تولد حضرت یحیی (ع) حذف شده و هیچ اشاره‌ای به گذر زمان و اتفاقات رخ داده در این بازه زمانی نشده است.

نمونه دیگری از سازوکار صحنه و عنصر حذف، در گفت‌وگوهای حضرت مریم (س) با فرستاده خداوند در مورد فرزنددار شدن مریم (س) آمده است: "مریم گفت: از تو به

خدای رحمان پناه می‌برم، که پرهیزکار باشی. فرشته گفت: من فرستاده پروردگار تو هستم، تا تو را به پسری پاکیزه بشارت دهم. گفت: از کجا مرا فرزندی باشد؟ حال آن‌که هیچ بشری به من دست نزده است و من بدکاره نبوده‌ام. گفت: پروردگار تو این چنین گفته است؛ این برای من آسان است. ما آن پسر را برای مردم نشانه و آیتی قرار می‌دهیم و این کاری است حتمی و انجام‌یافته. " (مریم/۱۶ تا ۲۲).

نمونه‌های حذف، بیش‌ترین سهم را در این قسمت‌ها به خود اختصاص داده‌اند و گویی که تمام این اتفاقات در چند لحظه رخ داده است. نمونه بارز دیگر، سخن از آستن بودن همسر حضرت عمران (ع) است و این که فرزندش را نذر عبادت خدا کرده است (آل عمران/۳۵) و بلافاصله در آیه بعدی سخن از تولد مریم و پس از آن صحنه در محراب بودن مریم و گفتگوی زکریا با اوست (آل عمران/۳۷). در واقع، در این میان، فاصله زمانی از بارداری تا تولد و حتی از طفولیت مریم بیان نمی‌شود و صحنه بعدی، او را در محراب عبادت نشان می‌دهد تا زمانی که خداوند حضرت مریم (س) را مخاطب قرار داده که همانا از بین زنان عالم برگزیده و پاک شده است و به او امر می‌شود با نمازگزاران نماز بگذارد (آل عمران/۴۲ و ۴۳). در این دو آیه، به طور ضمنی به سن تکلیف آن حضرت اشاره شده است. صحنه کفالت حضرت مریم (س) و انتخاب سرپرست برای او نشان می‌دهد که او هنوز کودک است (آل عمران/۴۴)؛ اما بلافاصله صحنه بشارت دادن حضرت مریم (س) به تولد عیسی مسیح (ع) دیده می‌شود (آل عمران/۴۵).

صحنه درخواست حضرت زکریا (ع) برای فرزنددار شدن از خداوند در محراب و بلافاصله دریافت پاسخ و استجاب دعا از جانب خداوند و بشارت ولادت حضرت یحیی (ع) بیان شده است (انبیاء/۸۹ و ۹۰). از طرف دیگر، همین درخواست با تفصیل بیشتر به صورت گفتگو و شرح پیری خود، عقیم بودن همسرش و نداشتن وارث، بین حضرت زکریا (ع) و خداوند و استفاده از سازوکار صحنه با صرف زمان بیشتر و بیان جزئیات مشاهده می‌شود (مریم/۱۱). در این آیات، خداوند برای از میان بردن شک و تردیدها و ابهامات از سازوکار توصیف بیشتر، استفاده می‌کند. از این رو، تولد حضرت یحیی (ع)

بدون شک، یک معجزه الهی است و تردیدی در ناتوانی حضرت زکریا (ع) و همسرش در فرزنددار شدن باقی نمی‌ماند.

کل سرگذشت حضرت مریم (س) و تولد فرزندش در یک آیه (انبیاء/۹۱)، خلاصه شده؛ به طوری که نمونه روشنی از کاربرد عنصر ایجاز و حذف جزئیات محسوب می‌شود. البته داستان‌های قرآنی به موجزترین شکل ممکن، در قرآن توصیف شده‌اند و فقط برش‌هایی از داستان برای خواننده به عنوان آیه و نشانه بیان شده است؛ زیرا این داستان‌ها برای سرگرمی بیان نشده‌اند که نیاز به بیان تمام صحنه‌ها و جزئیات باشد. در قرآن، به توصیف آیه بودن حضرت یحیی (ع) و مورد عنایت خداوند بودن وی، تأکید دارد و می‌فرماید: "در کودکی به او کتاب و حکمت و مهربانی عطا کردیم و پاکیزه‌اش ساختیم و او پرهیزگار بود. به پدر و مادرش نیکی می‌کرد و جبار و سرکش نبود." (مریم/۱۲ تا ۱۴).

در مورد عنصر بسامد در داستان حضرت مریم (س) می‌توان گفت که روایت در سطح سوره مریم (س) یک بار بیان شده و از بسامد تک‌محور یا مفرد استفاده شده است؛ اما در سطح سوره‌های مختلف، جهت تأکید، تذکر، جایگزینی نقل قول‌های مستقیم به غیرمستقیم و تغییر زاویه دید، به اختصار تکرار شده و دارای بسامد چندمحور یا مکرر می‌باشد. مثلاً کل گفت‌وگوی زکریا (ع) با خداوند در سوره مریم (س) و بشارت تولد یحیی (ع)، با مخاطب قرار دادن زکریا (ع) به صورت دوم شخص بیان شده است. در حالیکه در سوره‌های انبیاء (ع) و آل عمران (ع) به صورت سوم شخص ذکر شده است. نمونه‌هایی از بسامد تکرارشونده در داستان مریم (س) در قرآن چنین آمده است: "زکریا (ع) فرمود: ای مریم، این‌ها (این میوه‌ها و خوردنی‌ها) برای تو از کجا می‌رسد؟ مریم پاسخ می‌دهد: از جانب خداست، خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد." (آل عمران/۳۷). استفاده از فعل استمراری در این گفتگو، نشان‌دهنده وقوع چندباره نزول برکات و دریافت مکرر و مستقیم نعمت‌های خداوند می‌باشد.

در قصه حضرت مریم (س)، دیدگاه کلی یا همان دیدگاه پرنده‌وار به کار رفته است. هرگاه راوی بخواهد خود را بیننده‌ای کاملاً هوشیار و مسلط به صحنه نشان دهد؛ با

نگاهی کلی مناظر را می‌بیند. راوی این داستان، خداوند است و او بر همه چیز از زمان و مکان گرفته تا سرنوشت و تقدیر همه کس آگاهی و احاطه کامل دارد. خداوند در بیان اغلب روایت‌ها، وارد جزئیات و موارد روزمره نمی‌شود و معمولاً کلیتی از وقایع را بیان می‌کند و جزئیات را بنا به ضرورت ذکر کرده است. مثلاً در داستان حضرت مریم (س)، راوی با استفاده از سازوکار حذف، بیشتر صحنه‌های روزمره زندگی حضرت مریم (س) را حذف کرده و فقط آن وقایعی که برجسته‌تر بوده و برای نشان دادن یک نمای کلی از زندگی وی مورد نیاز است را، بیان کرده است. به‌عنوان مثال، به اختصار، به تولد وی اشاره شده و تا شش سالگی که برای خدمت به معبد رفته، سخنی به میان نیامده است. داستان با اتخاذ یک سرعت تند، با گذشتن از مراحل کودکی و تحت سرپرستی حضرت زکریا (ع)، می‌خواهد سریع‌تر به دوران بلوغ مریم (س) برسد تا رسالت مریم به‌عنوان مادر عیسی مسیح (ع)، برای دنیا آوردن پیامبر بعدی به انجام برسد. همچنین در مورد پرهیزگاری مریم (آل عمران/ ۳۷ و ۴۲؛ نساء/ ۱۵۶؛ انبیاء/ ۹۱؛ تحریم/ ۱۲) و آیات مربوط به نشانه بودن حضرت مریم (س) و فرزندش عیسی (ع)، برای جهانیان به تفصیل در آیات متعدد (آل عمران/ ۴۵، ۴۶، ۴۸ و ۴۹؛ مریم/ ۲۱، ۳۰، ۳۴؛ مؤمنون/ ۵۰) تکرار شده است. از طرفی، در این روایت از شخصیت‌هایی مانند حضرت عمران (ع) و حضرت زکریا (ع) نام برده و به مکان زندگی آن‌ها اشاره شده است.

دیدگاه راوی، کلی و منسجم است و در جایگاهی ایستاده که به وقایع داستان کاملاً اشراف دارد. با این نوع نگرش، او می‌تواند موقعیت‌های مختلف و متفاوت را از زاویه‌های گوناگون برای خواننده بازگو کند؛ حتی می‌تواند، زمانی که برخی شخصیت‌ها در موقعیت‌هایی قرار دارند که از دیده‌ها پنهان هستند، صحنه‌آفرینی کند. به‌عنوان نمونه، راوی در صحنه گفت‌وگوی زکریا با خداوند در محراب، بیان می‌کند که زکریا (ع) پروردگار خود را در نهان ندا داد. اینکه، این گفتگو با خداوند پنهان از چشم بقیه صورت گرفته و اکنون نقل می‌شود، نشان می‌دهد که تنها کسی که در آنجا حضور داشته و مخاطب هم بوده؛ خداوند است که این گفتگو را نقل می‌کند و صحنه‌پردازی آن را در زمان‌ها و

مکان‌های متفاوت در اختیار نسل‌های بعد قرار می‌دهد. این گفتگو نشان می‌دهد که راوی هوشیار و آگاه به همه شرایط، زمان‌ها و مکان‌هاست.

راوی، در آیه ۴۴ سوره آل‌عمران، حضرت محمد (ص) را مخاطب قرار داده و می‌فرماید: "این‌ها از خبرهای غیب است که به تو وحی می‌کنیم، وگرنه آن‌گاه که قرعه‌زدند تا چه کسی میان‌شان عهده‌دار نگهداری مریم (س) شود و آن‌گاه که کارشان به نزاع کشید، تو در بینشان نبودی."

راوی، در این آیه، تسلط خود را بر زمان و مکان داستان نشان می‌دهد و دیدگاه کلی و منسجم خود را در طول داستان حفظ می‌کند. راوی، در جایگاهی است که بر کل وقایع اشراف دارد؛ اما برخی از حوادث را برای مخاطب بازگو می‌کند.

به‌عنوان مثال، زمان‌هایی که زکریا (ع) و مریم (س) با راوی صحبت می‌کنند و خداوند در پاسخ، آنان را مورد خطاب قرار می‌دهد، چنانکه گویی خداوند در کنار آن‌ها و در حال صحبت رودررو و مستقیم با آن‌هاست؛ حال آنکه این پاسخ‌ها فقط به صورت وحی قلبی و انتقال مفاهیم است. مثلاً در آیات ۳ تا ۱۰ سوره مریم، گفت‌وگوی زکریا (ع) با خداوند بیان شده و در آیه ۲۶ سوره مریم، خداوند مریم (س) را مخاطب قرار داده است.

۳-۲- دیدگاه مکانی در داستان حضرت مریم (س)

از مشخصه‌های دیدگاه مکانی، استفاده از شاخص‌های مکانی است که این شاخص‌ها در زبان عربی شامل اسم‌های اشاره مکانی و قیده‌های مکان است. استفاده از اسامی اشاره مانند کذلک (مریم/۹ و ۲۱)، اولئک (مریم/۶۰)، تلک (مریم/۶۳) و افعال جهتی، مانند «بردن و خارج‌شدن» در (مریم/۱۶ و ۲۲) و قیده‌های مکانی مانند دور یا دورافتاده (مریم/۱۶ و ۲۲) است که خداوند در آن مکان‌ها نیز حضور دارد. چنین مواردی در عین اینکه نشان‌دهنده فاصله راوی از شخصیت‌هاست، نشان می‌دهد که اگر شخصیت‌های داستان در فاصله نزدیک یا دور باشند، خداوند در همه حال آن‌ها را می‌بیند و بر آن‌ها اشراف کامل دارد. نکته مهم دیگر این است که در زبان عربی، استفاده از ضمیر اول‌شخص جمع برای اشاره

به خود، به معنای جدایی از دیگران و داشتن جایگاه برتر و بالاتر فرد و دارا بودن کارگزاران سر به فرمان است. در این شرایط راوی، خود را از دیگران برتر نشان می‌دهد و بین خود و جمعیتی که آن‌ها را مخاطب قرار داده است، فاصله ایجاد می‌کند. استفاده از ضمیر اول شخص به شکل منفصل به معنای تأکید نیز می‌باشد. بنابراین در زبان عربی استفاده از ضمیر اول شخص جمع توسط یک فرد مفرد برای ایجاد یک فاصله اجتماعی و مرتبتی بین سخنگو و مخاطب است که نشان‌دهنده برتری و آگاهی همه‌جانبه آن فرد است. در تمامی آیاتی که خداوند مستقیماً افراد را مخاطب قرار می‌دهد از صیغه اول شخص جمع استفاده می‌کند که این امر نشان از برتری جایگاه وی و نزدیکی او به بندگان در عین دوری از آن‌هاست. این امر تبیین‌کننده دو دیدگاه کلی و دیدگاه ایستا نیز می‌باشد (مریم/۷، ۹، ۱۲).

۳-۳- دیدگاه روان‌شناختی در داستان حضرت مریم (س)

اگر بند دارای عنصر وجه‌نما، رفتار گوینده را نسبت به رویدادی محتمل در آینده نشان دهد، وجه‌نمایی از نوع رویداد است. وجه‌نمایی رویداد، شامل دو نوع وجه‌نمایی پویا و تکلیفی می‌باشد. اساسی‌ترین تفاوت میان این دو نوع وجه‌نمایی، این است که در وجه‌نمایی تکلیفی، عوامل دخیل نسبت به مشارکان موجود در رویداد، بیرونی هستند؛ در صورتی که در وجه‌نمایی پویا، این عوامل و شرایط درونی‌اند. به همین ترتیب، مفاهیمی مانند اجاره و اجبار که منبعی بیرونی دارند، جزء وجه‌نمایی تکلیفی به شمار می‌روند. از طرف دیگر، عناصری که بیان‌کننده مفاهیمی مانند توانایی، خواست و اراده هستند، در دسته وجه‌نمایی پویا طبقه‌بندی می‌شوند.

وجه‌نمایی معرفتی، ابزاری برای بیان قضاوت گوینده در مورد وضعیت واقعی یک گزاره است. در زبان‌ها سه نوع قضاوت را می‌توان به شکل مشترک دید:

۱- قضاوتی که نشان‌دهنده عدم قطعیت یا عدم اطمینان گوینده از گزاره است؛

۲- قضاوتی که گوینده از شواهد موجود استنباط می‌کند؛

۳- قضاوتی که مبنای آن استنباطی است و براساس شناخت و اطلاع عمومی بیان می‌شود. (کوهکن، ۱۳۹۸: ۳۰ به نقل از پالمر، ۲۰۰۱).

در بررسی دیدگاه روان‌شناختی، شیوه روایتگری در این داستان بین اول‌شخص و سوم‌شخص روایتگر، در نوسان است. بخش زیادی از داستان از دیدگاه سوم‌شخص روایتگر است که با اشراف کامل، تمام وقایع را روایت می‌کند، و در عین حال در بخش‌های دیگری از داستان، راوی به عنوان روایتگر اول‌شخص سخن می‌گوید. البته این داستان از جانب خداوند بر پیامبرش حضرت محمد (ص) وحی شده و پیامبر مستقیماً و بدون دخل و تصرف آن را نقل کرده است.

نظام و جهی دیدگاه این داستان مثبت است؛ زیرا راوی به آن‌چه می‌گوید، مطمئن است و هیچ‌گونه تردید و ابهامی درباره موضوعات ارائه‌شده دیده نمی‌شود. کاربرد گسترده وجه امری، نشان‌دهنده توان و قدرت راوی و احاطه او بر شخصیت‌های داستان است.

حضرت مریم (س)، غالباً غذای خود را میان فقیران تقسیم می‌کند و چیزی برای خودش باقی نمی‌ماند. نزول مائده‌های آسمانی از جانب خداوند بر حضرت مریم (س) هم پاداشی در مقابل ایثار و بخشش در راه خداوند را نشان می‌دهد و هم رابطه محبت‌آمیز راوی را نسبت به شخصیت اول داستان بیان می‌کند. هم‌چنین اطلاعات ارائه‌شده در این نوع دیدگاه، نشان‌دهنده آگاهی و تسلط کامل راوی بر داستان و شخصیت‌های اصلی آن است. چنانکه در گفتگوی راوی با حضرت عیسی (ع) آمده است: «و هنگامی که خداوند به عیسی (ع)، پسر مریم (س) گفت: آیا تو به مردم گفته‌ای که من و مادرم را دو اله، بدون خداوند انتخاب کنید؟ حضرت عیسی (ع) فرمود: تو پاک و منزهی. من حق گفتن چنین چیزی را ندارم. اگر من چنین گفته‌بودم تو خود می‌دانستی؛ زیرا به آن‌چه در ضمیر من می‌گذرد، دانایی و من از آن‌چه در ذات توست بی‌خبرم. براستی که تو بر همه پنهان‌ها آگاهی (مائده/۱۱۶).

در این آیه، اوج اقتدار خداوند و احاطه او بر کل ماجراهای داستان و گفتگوهای شخصیت‌های آن نشان داده شده است. از طرف دیگر، گفتگوهای حضرت عیسی (ع)

در برابر خداوند در اوج بندگی، راستی، رعایت ادب و تواضع و اعتراف او به دانایی خداوند بر غیب‌ها و نهان‌ها و شایستگی عبودیت و انحصاری بودن آن در این حوزه دیده می‌شود. این نوع گفتگوها به صورت غیرمستقیم به مخاطب راه و رسم بندگی، نحوه مکالمه فاخر با خالق، راستگویی و ادب را می‌آموزد.

در این داستان، در گفتمان راوی، عبارت‌هایی که در بردارنده قیده‌های وجهیت مانند «ممکن است، شاید، احتمالاً» و قید ادراکی مانند «انگار» و به طور کلی کلمات حاوی شک و تردید باشد، به کار نرفته است. لحن کلی داستان نشان از وجهیت مثبت و یقینی راستین دارد، چنانکه به زکریا (ع) بشارت فرزند می‌دهد و حتی نام‌گذاری کودک توسط راوی انجام شده؛ به طوری که نام «یحیی» (ع) قبلاً سابقه نداشته است (مریم/ ۸ و ۹). همچنین، معجزه ولادت حضرت عیسی (ع) از مریم مقدس (س) اوج اقتدار، توانایی و دانایی فوق بشری راوی را به نمایش می‌گذارد (مریم/ ۱۷ تا ۲۶). به طوری که ولادت دو پیامبر «یحیی و عیسی» علیهم‌السلام، زاده دو پیامبر الهی یعنی «زکریا و عمران» علیهم‌السلام، خارق‌العاده بوده است. چنانکه حضرت عیسی (ع) در بدو تولد، با کاربرد واژه‌هایی مانند «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ...»، اعتماد و اطمینان و یقین خود را به خداوند در سخنانش برای مردم نشان می‌دهد (مریم/ ۳۲ تا ۳۵).

کاربرد مکرر واژه‌های «إِنَّ، إِنَّا و إِنَّمَا»، نشان دهنده وجهیت «درستی، حقیقت، اعتقاد و اعتماد» گوینده نسبت به گفته‌هایش می‌باشد و همان حس اطمینان را به شنونده منتقل می‌کند؛ به طوری که در نقطه مقابل، «تردید، ابهام و دودلی» قرار دارد و حتی ابهامات گذشته را درباره زندگی حضرت عیسی (ع) برطرف می‌کند (مریم/ ۳۴ تا ۳۸).

در اینجا، نمونه‌هایی از وجهیت امری مثبت به‌کاررفته در قرآن، آمده است:

۱- «ای یحیی، کتاب را به نیرومندی بگیر.» (مریم/ ۱۲)؛

۲- وجه امری و تمنایی در خطاب به مریم (س): «تنه درخت را به سمت خود بکش

تا برای تو خرماي تازه به بار آورد و بریزد. پس، بخور و بیاشام و شادمان باش» (مریم/ ۲۴)

تا ۲۶)؛

- ۳- وجه امری در گفتگوی خداوند با حضرت زکریا (ع): «پروردگارت را فراوان یاد کن و در شبانگاه و بامداد او را ستایش کن.» (آل عمران/۴۱)؛
- ۴- در گفتگوی فرشتگان با مریم (س) وجه امری به کار رفته است: «ای مریم، پروردگارت را عبادت کن و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع کن» (آل عمران/۴۲)؛
- ۵- درخواست حضرت زکریا از خداوند به صورت وجه تمنایی: «ای پروردگار من، برای من نشانه‌ای قرار بده» (آل عمران/۴۱)؛
- ۶- درخواست حضرت زکریا از خداوند به صورت وجه تمنایی: «ای پروردگار من، مرا از جانب خود فرزندی عطا فرما که وارث من و خاندان یعقوب باشد و او را صالح و شایسته بگردان» (مریم/۵ و ۶)؛
- ۷- آزرده‌گی مریم (س) از تهمت‌هایی که به ایشان زده شده بود، موجب بیان آرزو و تمنا از خداوند شده و فرمود: «ای کاش پیش از این، مرده بودم و از یادها فراموش شده بودم» (مریم/۲۳).

۴- نتیجه‌گیری

با توجه به پرسش‌های پژوهش و روایت حضرت مریم (س) و تحلیل آن در چارچوب نظری سیمپسون، نتایج به‌دست‌آمده عبارتند از:

- ۱- از دیدگاه زمانی، روابط میان توالی رخ‌دادهای داستان و نظم و ترتیب خطی آن‌ها در بیان زندگی سوره مریم (س) حفظ شده است. از نظر تداوم، دو سازوکار صحنه و حذف بیشتر از درنگ توصیفی استفاده شده است. بیان مکالمه‌ها و گفت‌وگوهای بین شخصیت‌های داستان نمونه بارزی از سازوکار صحنه است. نمونه‌های حذف، بیش‌تر از آنچه که درباره حضرت مریم (س) بیان شده، می‌باشد. کل سرگذشت حضرت مریم (س) و تولد فرزندش در یک آیه (انبیاء/۹۱) خلاصه شده و نمونه روشنی از کاربرد عنصر ایجاز و حذف جزئیات محسوب می‌شود. انسان گذشته، حال و آینده دارد و وقتی زمان می‌گذرد دیگر بر آن تسلطی ندارد؛ اما راوی بر گذشته و آینده انسان‌ها احاطه دارد. از

این رو، به مریم (س) مژده ولادت عیسی (ع) را می‌دهد و این امر محقق می‌شود. از دیدگاه زمانی، از هر دو دسته گذشته‌نگرها و آینده‌نگرها بهره برده شده است. عنصر تکرار، در بیان سرگذشت حضرت مریم (س) در چند سوره و از زوایای مختلف، نشان‌دهنده تسلط لحظه به لحظه راوی بر زوایای مختلف زندگی وی، تسلط بر زمان‌های گذشته، حال و آینده است. این نکته، ایمان به غیب را در فرد تقویت می‌کند و او پیام‌هایی را که راوی در مورد رویدادهای آینده به بنده خود می‌دهد، با یقین کامل باور می‌کند.

۲- در داستان‌های قرآنی کاربرد اسامی اشاره مانند «کذلک، اولئک، تلک» و افعال جهتی مانند «رفتن، آمدن، وارد شدن و خارج شدن» و قیده‌های مکانی مانند «دور یا نزدیک»، برای انسان نشانه تغییر فاصله‌هاست. اما برای راوی ابعاد زمانی و مکانی معنا ندارد و خداوند در همه حال به بندگان خود نزدیک است. از آنجایی که قرآن برای بشر نازل شده است، ذکر ضمائر اشاره مکانی و زمانی برای درک فاصله‌های زمانی و مکانی توسط انسان به کار رفته است. راوی از نظر مکانی، دیدگاهی کلی و ایستا اتخاذ کرده است و گاهی به دلیل اهمیت موضوع و برای روشنگری خواننده به زاویه مکانی خاصی اشاره می‌کند. نقل یک روایت از چند زاویه دید، واقعی بودن آن را به صحنه می‌آورد.

۳- از دیدگاه روان‌شناختی، از شیوه روایتگر اول شخص مثبت و روایتگر سوم شخص مثبت استفاده شده است. از آنجا که راوی به گفته‌های خود اطمینان دارد، این اطمینان به روایت و نوع قضاوت و ارزش‌گذاری، به مخاطب منتقل شده و معیاری برای قضاوت او در موارد مشابه فراهم می‌آورد. وجهیت در این داستان بین راوی و مریم (س) با کاربرد واژه‌های «ان، انا و انما»، نشان‌دهنده وجهیت «درستی، حقیقت، اعتقاد و اعتماد» گوینده نسبت به گفته‌هایش می‌باشد و همان حس را به شنونده منتقل می‌کند. کاربرد واژه‌های یقینی از طرف راوی، همان یقین را به مخاطب منتقل می‌کند و موجب تقویت ایمان او می‌گردد. استفاده از وجه امری توسط راوی و وجه تمنایی توسط شخصیت داستان، گویای رابطه نزدیک میان آن دو است. هدف از این تغییرات در بیان از اول شخص به سوم شخص، درک بهتر مخاطب از وقایع و رویدادهای گذشته است تا بتواند

آنها را از زوایای مختلف تحلیل نماید. همچنین، اگر نکته‌ای در روایت اول بازگو نشده باشد، در روایت دوم آشکار گردد.

۴- آنچه به عنوان نتیجه‌ای دیگر در این داستان دیده می‌شود، این است که حوادث در مقایسه با عناصر زمان و مکان رویداد، اهمیت بیشتری دارند. راوی مجموعه‌ای از حوادث داستان را به روشی گویا برای خواننده در متن ذکر می‌کند. در این حوادث موضع‌گیری‌های شخصیت‌های داستان در مقابل راوی و ایمان‌شان نسبت به او، در معرض امتحان قرار می‌گیرد. حضرت مریم (س) آزمون‌های سخت را با سربلندی پشت سر گذاشته و روز به روز بر ایمان او افزوده شده است. تحلیل این داستان نشان می‌دهد که روبروشدن اولیاء الهی با حوادث سخت موجب تقویت ایمان و اراده آنها و نزدیکی جستن به راوی شده است. این حوادث مختص اولیاء الهی نیست، بلکه در زمان‌ها و مکان‌های مختلف برای تک تک انسان‌ها رخ می‌دهد و عکس‌العمل هر فرد در مقابل آنها ارزیابی خواهد شد و از آنها قهرمان یا ضد قهرمان خواهد ساخت.

۵- پی‌نوشت‌ها

- 1- Simpson
- 2- Temporal point of view
- 3- Spatial point of view
- 4- Psychological point or view
- 5- Aspensky-Faller
- 6- Story time
- 7- Text time
- 8- Gérard Gennett
- 9- order
- 10- duration
- 11- frequency
- 12- anachrony
- 13- analepsis
- 14- prolepsis
- 15- acceleration
- 16- deceleration
- 17- ellipsis
- 18- descriptive pause
- 19- summary

- 20- scene
- 21- repetition
- 22- Singulative
- 23- Repetitive
- 24- Iterative
- 25- diexies
- 26- Bird's eye
- 27- modality
- 28- deontic
- 29- boulomaic
- 30- epistemic
- 31- perception
- 32- View point or point of view
- 33- narrator
- 34- reflector

۶- منابع

*قرآن کریم

- ۱- ترکمانی، حسینعلی؛ شکوری، مجتبی؛ مهیمنی، مازیار، «تحلیل روایت‌شناختی سوره نوح (ع) برمبنای نظریه رولان بارت و ژرار ژنت»، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، ش ۳، ص ۹۱ - ۱۱۶، (۱۳۹۶ش).
- ۲- حبیبی، علی اصغر؛ خلیفه، ابراهیم، «واکاوی مؤلفه‌های روایی داستان قرآن کریم»، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، س ۲، ش ۵، صص ۳۷-۴۹، (۱۳۹۰ش).
- ۳- حرّی، ابوالفضل، «رویکرد روایت‌شناختی به قصص قرآنی»، نقد ادبی، س ۱، ش ۲، صص ۱۲۲-۸۳، (۱۳۸۷ش).
- ۴- -----، «مؤلفه‌های زمان و مکان روایی در قصص قرآنی» ادب‌پژوهی، ش ۷ و ۸ (بهار و تابستان)، صص ۱۴۱-۱۲۵، (۱۳۸۸ش).
- ۵- حسینی، سید ابوالقاسم، مبانی هنری قصه‌های قرآن، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، (۱۳۷۷ش).
- ۶- حسینی، محمد، ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن (بازخوانش دوازده قصه قرآنی)، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس، (۱۳۸۲ش).

- ۷- حسینی، اعظم‌سادات؛ مطیع، مهدی؛ و لطفی، مهدی، «تحلیل روایت‌شناختی داستان حضرت مریم (س) در قرآن کریم»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)*، س ۱۵، ش ۳ (پیاپی ۳۹)، صص ۱-۳۴، (۱۳۹۷ش).
- ۸- خادمی، نرگس، «الگوی "دیدگاه روایی" سیمپسون در یک نگاه»، *نقد ادبی*، س ۵، ش ۱۷، صص ۷-۳۶، (۱۳۹۱ش).
- ۹- ریمون-کنان، شلومیت. *روایت داستانی: بوطیقای معاصر*. ترجمه ابوالفضل حرّی. تهران: انتشارات نیلوفر، ویراست دوم، (۱۴۰۱ش).
- ۱۰- زیارتی، فاطمه‌سادات؛ جیگاره، مینا؛ و صلاحی‌مقدم، سهیلا، «بررسی زاویه دید در داستان حضرت مریم (س) بر اساس الگوی وجهی-روایی پاول سیمپسون»، *دو فصلنامه کتاب‌قیم*، ش ۲۲، س ۱۰، صص ۶۷-۸۹، (۱۳۹۹ش).
- ۱۱- سلطانی، فاطمه، «تحلیل داستان‌های قرآنی براساس نظریه کنشی گریماس»، *پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، س ۶، ش ۲، صص ۳۵-۵۴، (۱۳۹۷ش).
- ۱۲- سهیلی، محمد. *تحلیل ساختاری روایت در قرآن*. رساله دکتری مدرسی معارف اسلامی بر مبنای نظری اسلام، مشهد، دانشگاه فردوسی، (۱۳۹۱ش).
- ۱۳- کوهکن، سپیده. *رده‌شناسی وجه‌نمایی در زیانهای ایرانی غربی نو*. رساله دکتری در رشته زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، (۱۳۹۸ش).
- ۱۴- محمدی، یاسین؛ شاهمرادی فریدونی، محمدمهدی؛ حلیمی جلودار، حبیب‌الله، «تحلیل روایت شناختی سوره قصص بر مبنای نظریه رولان بارت»، *پژوهش‌های ادبی‌قرآنی*، س ۱۱، ش ۲ (۴۲)، صص ۶۶-۷۹، (۱۴۰۳ش).
- ۱۵- مولایی‌فرد، ولی‌الله؛ کریمی‌نیا، محمدمهدی؛ انصاری مقدم، مجتبی، «تحلیل ابعاد داستانهای قرآن براساس اسلوب روایت»، *پژوهش و مطالعات علوم اسلامی*، س ۴، ش ۳۳، (۱۴۰۱ش).
- ۱۶- مهدوی‌نژاد، محمدجواد و نوریان، یحیی، «قصه، الگوی روایت تاریخی از منظر قرآن کریم: بازخوانی سوره یوسف به عنوان بهترین روش تاریخ‌گویی»، *پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم*، س ۲، ش ۴، صص ۷-۱۶، (۱۳۹۰ش).